



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Modeling the barriers to acceptance of big data analytics in Iran's insurance industry

M. Mansoori, A.A. Foukerdi*

Department of Management, Faculty of Economics and Adminstrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received 23 October 2021

Revised 01 December 2021

Accepted 19 January 2022

Keywords:

Barriers

Big Data Analytics

MICM

Technology Adoption

TISM

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Big data is increasingly becoming a major organizational enterprise force to reckon with in this global era for all industries. It seemingly offers more features for acquiring, storing and analyzing voluminous generated data from various sources to obtain value-additions. Despite the advantages of big data analytics in enhancing performance and achieving the competitive advantage, there is substantial evidence that many organizations have faced some barriers to adoption and implementation of big data technologies. The insurance industry is no exception. However, the adoption and implementation of big data analytics in insurance organizations is relatively lagged and there is no study addressing this phenomenon so far in Iran insurance industry. Therefore, the main purpose of this study is to identify and analyze various barriers that affect the adoption and implementation of big data analytics in the insurance industry in the Iranian context and to investigate the inter-dependences between these barriers.

METHODS: The current research is an applied study in terms of objectives, a descriptive study in terms of research design, as well as a survey study in terms of data collection method. First, using a comprehensive review of existing literature and obtaining confirmatory opinions of industry managers, a list of barriers to adoption and implementation of big data analytics in the Iranian insurance industry have been identified. Then, Total Interpretive Structural Modeling (TISM) with matrice d' impacts croises multiplication appliquée un classement (cross-impact matrix multiplication applied to classification, abbreviated as MICMAC) analysis was used to map the interrelationships and develop a hierarchical structure among the identified barriers.

FINDINGS: The major barriers to adoption and implementation of big data analytics were identified and classified into 10 categories including cost of investment, lack of compatibility with technical infrastructure, weak organizational culture, lack of top management support, time constraints, staff resistance, lack of collaboration among departments, lack of access to experienced and skilled expertise, customer data privacy and security, and lack of regulations. In addition, lack of access to experienced and skilled expertise, lack of top management support as well as weakness or lack of regulations are the root barriers to the adoption and implementation of big data analytics in the Iranian insurance industry.

CONCLUSION: Combining the literature review findings with the opinions of managers and industry practitioners, and analyzing them by total interpretive structural modeling with MICMAC led to the development of a framework for better understanding of barriers to the adoption and implementation of big data analytics in the Iranian insurance industry. This framework helps policymakers and managers to prioritize issues and develop effective strategies for the development of big data analytics. This study is the first of its kind to theorizing big data analytics adoption and implementation barriers and develops hierarchical relationships between them using ISM and MICMAC methodology in the Iranian insurance context. Finally, the paper provides several effective solutions to coping with barriers to adoption and implementation of big data technologies and recommended some future directions of research in this field.

*Corresponding Author:

Email: r.foukerdi@qom.ac.ir

Phone: +9825 32103911

ORCID: [0000-0002-9260-923X](http://orcid.org/0000-0002-9260-923X)

DOI: [10.22056/ijir.2022.03.05](https://doi.org/10.22056/ijir.2022.03.05)

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).





مقاله علمی

مدل‌سازی موانع پذیرش تحلیل کلان‌داده‌ها در صنعت بیمه ایران

محدثه منصوری، امیرعلی فوکردى*

گروه مدیریت، دانشکده اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه قم، قم، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده:
تاریخ های مقاله:	<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰ آبان ۰۱</p> <p>تاریخ داوری: ۱۴۰۰ آذر ۱۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰ دی ۲۹</p>
كلمات کلیدی:	<p>پذیرش فناوری</p> <p>تحلیل کلان‌داده‌ها</p> <p>مدل‌سازی تفسیری-ساختاری جامع</p> <p>موانع</p> <p>میکمک</p>
توبیخ‌نده مسئول:	<p>ایمیل: r.foukerdi@qom.ac.ir</p> <p>تلفن: +۹۸۲۵ ۳۲۱۰ ۳۹۱۱</p> <p>ORCID: 0000-0002-9260-923X</p>
	<p>پیشنه و اهداف: کلان‌داده‌ها با سرعتی فرازینده‌ای در حال تبدیل به یکی از نیروهای کلیدی سازمان در عصر حاضر هستند. این فناوری امکانات فراوانی را برای کسب، ذخیره‌سازی و تحلیل حجم عظمی از داده‌های گردآوری شده از منابع مختلف در اختیار قرار می‌دهد. با وجود کاربردها و مزایای فراوان تحلیل کلان‌داده‌ها در بهبود عملکرد و کسب مزیت رقابتی شرکت‌ها، پذیرش این فناوری همواره با موانعی رو به رو بوده است. هدف اصلی این پژوهش شناسایی و تحلیل موانع پذیرش تحلیل کلان‌داده‌ها در صنعت بیمه ایران است.</p> <p>روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر طرح توصیفی و از نظر روش گردآوری داده‌ها پیمایشی است. در این پژوهش، ابتدا با مرور پیشینه و کسب نظرات تأییدی مدیران صنعت، موانع پذیرش تحلیل کلان‌داده‌ها در صنعت بیمه کشور شناسایی شده است. سپس از مدل‌سازی تفسیری ساختاری جامع با تحلیل میکمک برای تئکاشت روابط فی‌مابین و ساخت مدل سلسله مراتبی حاکم بر این موانع استفاده شده است.</p> <p>یافته‌ها: هزینه بالای سرمایه‌گذاری، عدم آمادگی زیرساخت‌های فنی شرکت، فرهنگ ضعیف سازمانی، فقدان تعهد مدیریت ارشد، محدودیت زمانی، مقاومت کارکنان، عدم همکاری میان واحدهای سازمانی، عدم دسترسی به متخصصان مجرب و ماهر، لزوم حفظ امنیت داده‌ها و حریم خصوصی مشتریان و ضعف با فقدان مقررات به عنوان ۱۰ مانع عدم پذیرش تحلیل کلان‌داده‌ها در صنعت بیمه ایران شناسایی شدند. به علاوه، استفاده از مدل‌سازی تفسیری ساختاری جامع با تحلیل میکمک نشان داد عدم دسترسی به متخصصان مجرب و ماهر، عدم تعهد مدیریت ارشد، و ضعف یا فقدان مقررات موجود موانع ریشه‌ای پذیرش تحلیل کلان‌داده‌ها در صنعت بیمه کشور هستند.</p> <p>نتیجه‌گیری: ترکیب یافته‌های حاصل از مرور گستره پیشینه پژوهش با دیدگاه‌های مدیران صنعت و تحلیل آنها توسط مدل‌سازی تفسیری ساختاری جامع با تحلیل میکمک منجر به توسعه چارچوبی برای درک بهتر موانع پذیرش تحلیل کلان‌داده‌ها در صنعت بیمه کشور شد. این چارچوب به سیاست‌گذاران و مدیران صنعت بیمه کشور در اولویت‌بندی مسائل پیش روی و تدوین راهبردهای کارآمد توسعه تحلیل کلان‌داده‌ها در این صنعت یاری می‌رساند.</p>

DOI: [10.22056/ijr.2022.03.05](https://doi.org/10.22056/ijr.2022.03.05)

توجه: مدت زمان بحث و انتقاد برای این مقاله تا ۱۱ اکتبر ۲۰۲۲ در وبسایت **IJR** در «نمايش مقاله» باز می‌باشد

مقدمه

تحلیل کلاندادهها مروری اجمالی شده است. در بخش سوم، روش‌شناسی پژوهش معرفی و بخش چهارم به انکاس و تفسیر یافته‌های پژوهش اختصاص یافته است. درنهایت، بخش پنجم، ضمن بحث درباره یافته‌های پژوهش و ارائه پیشنهادهای عملی برای مدیران، به فرصت‌هایی برای پژوهش‌های آتی اشاره نموده است.

مروری بر پیشینه پژوهش

پیش‌نیاز به کارگیری هر فناوری، پذیرش آن فناوری توسط سازمان است (Gururajan, 2009). Farmer (2012) واژه «پذیرش» را متراff با تضمیمی اولیه برای بهره‌گیری یا عدم بهره‌گیری از خدمتی فناورانه می‌داند. این تعریف به شکلی گسترده در بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش فناوری ذخیره‌سازی و رایانش ابری (Opala et al., 2015) و یکپارچه‌سازی فناوری در محیط‌های کاری (Farmer, 2011 and 2012) Kyratsis et al. (2012) پژوهشگران بوده است. در تعریفی دیگر، سه مرحله قصد، تضمیم برای پذیرش، و استقرار را برای فرایند پذیرش فناوری بر شرمنداند. سازمان‌های فراوانی با هدف بهبود کسب‌وکارهای خود به تحلیل کلاندادهها روی آورده‌اند. البته شرکت‌ها در پذیرش تحلیل کلاندادهها با موانعی روبرو هستند که بهتر است با هدف کاهش ریسک‌ها، بهبود بهره‌وری، کنترل کیفیت و غیره بررسی شوند (Moktadir et al., 2019). تاکنون پژوهشگران متعددی به شناسایی و تحلیل موانع پذیرش تحلیل کلاندادهها و سایر فناوری‌های نسل چهارم صنعت پرداخته‌اند که در **جدول ۱** به اجمال مرور شده‌اند.

طبق **جدول ۱**، پیشینه پژوهش غالباً بر تحلیل موانع پذیرش تحلیل کلاندادهها در صنایع تولیدی متمرکز بوده و به صنایع خدماتی و بهویژه صنعت بیمه توجه چندانی نداشته است. اگرچه این مطالعات دیدگاه ارزشمندی درباره موانع احتمالی پذیرش فناوری تحلیل کلاندادهها در صنعت بیمه ارائه می‌دهند. اما، با اتکا به آنها نمی‌توان به درکی عمیق از روابط علت‌وعلوی موانع پذیرش تحلیل کلاندادهها در صنعت بیمه ایران دست یافت.

مبانی نظری پژوهش

کلاندادهها

از واژه کلاندادهها در ابتداء برای اشاره به چالش ذخیره‌سازی مجموعه داده‌های کاملاً بزرگ استفاده می‌شد (Cox and Ellsworth, 1997). اما، امروزه کلاندادهها به مجموعه داده‌های حجیم، پیچیده، متعدد و پویایی اطلاق می‌شود که ثبت، ذخیره‌سازی، مدیریت، تحلیل و بهره‌برداری

پیشرفت‌های اخیر در فناوری اطلاعات و ارتباطات و دسترسی سازمان‌ها به شبکه و تجهیزات الکترونیکی موجب تولید حجم عظیمی داده از منابع مختلف در قالب‌های متفاوت شده است. در حالی که در سال ۲۰۰۹ وب جهانی حدود ۰/۵ زتابایت داده‌های دیجیتال را در برمی‌گرفت (Fan and Bifet, 2013)، این رقم در سال ۲۰۲۰ به ۶۴/۲ زتابایت رسیده است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵ به ۱۸۱ زتابایت برسد (Holst, 2021). در حقیقت، بخش اعظمی از داده‌های در دسترس امروز تنها طی چند سال اخیر تولید شده‌اند. لذا، دنیای امروز دنیای شکوفایی داده‌هایی با حجم، سرعت و تنوع بالا است که تحت عنوان کلاندادهها شناخته می‌شوند (Sagiroglu and Sinanc, 2013).

صنعت بیمه یکی از صنایعی است که به‌واسطه رشد سریع داده‌ها، تغییر در الگوهای کسب‌وکار، و لزوم اشراف بر نیازها و خواسته‌های مشتریان خود را ملزم به بهره‌گیری از کلاندادهای می‌داند (Hussain and Prieto, 2016). امروزه، در این صنعت توجه گسترده‌ای به کلاندادهها می‌شود و بیمه‌گران برای ارزیابی ریسک‌ها، تشخیص تقلب‌ها، شناسایی نیازهای مشتریان، طراحی محصولات جدید، خودکارسازی فرایندها، نرخ‌گذاری بهینه، و بسیاری حوزه‌های دیگر به فناوری تحلیل کلاندادهها روی آورده‌اند (Exastax, 2017).

به رغم مزایای فزاینده تحلیل کلاندادهها، شرکت‌های فراوانی در پذیرش این فناوری با موانعی روبرو هستند (Li et al., 2019). با وجود دانش سودمندی که مطالعه موانع پذیرش تحلیل کلاندادهها در صنایع مختلف ارائه می‌دهد، پیشینه پژوهش توجه چندانی به این مقوله در صنعت بیمه نداشته است. بهویژه، تحلیل موانع پذیرش کلاندادهها در صنعت بیمه ایران هنوز مغفول مانده است. از طرفی، به‌واسطه نوپا بودن کاربرد کلاندادهها در صنعت بیمه کشور، در امان نبودن صنعت از گزند این موانع چندان دور از انتظار نیست. لذا، تحقیق حاضر با شناسایی و مدل‌سازی روابط حاکم بر موانع پذیرش تحلیل کلاندادهها در صنعت بیمه ایران سعی در ارائه بینشی عمیق‌تر نسبت به این موانع دارد. انتظار می‌رود درک توالی و چگونگی اثرگذاری این موانع بر یکدیگر بتواند به سیاست‌گذاران و مدیران صنعت بیمه در اولویت‌بندی صحیح مسائل و تدوین راهبردهای کارآمد برای توسعه فناوری تحلیل کلاندادهها یاری رساند.

در ادامه، مقاله چنین ساماندهی شده که ابتداء، پیشینه تحریبی پژوهش مرور و شکاف تحقیقاتی موجود که به شکل‌گیری پژوهش حاضر منجر شده بیان گردیده است. در بخش دوم، مفهوم کلاندادهها تعریف، کاربرد آن در صنعت بیمه بیان و موانع پذیرش

جدول ۱: جایگاه پژوهش حاضر در پیشینه موانع پذیرش فناوری‌های نسل چهارم صنعت

منبع	حوزه	روش‌شناسی	صنعت	کشور
Raut <i>et al.</i> (2021)	تحلیل کلان‌داده‌ها	مدل‌سازی تفسیری-ساختاری و میکمک فازی و دیمتل، تولیدی	هنگ	
Khan <i>et al.</i> (2021)	تحلیل کلان‌داده‌ها	مدل‌سازی تفسیری-ساختاری فازی و میکمک، دیمتل فازی شهرهای هوشمند	-	-
Alalawneh and Alkhatib, (2021)	تحلیل کلان‌داده‌ها	فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی و تاپسیس سازمان‌ها	-	-
Raj <i>et al.</i> (2020)	نسل چهارم صنعت	دیمتل خاکستری تولیدی	هنگ	
Chen <i>et al.</i> (2020)	تحلیل کلان‌داده‌ها	ویکور بهداشت	تایوان	
Li <i>et al.</i> (2019)	تحلیل کلان‌داده‌ها	تحلیل محتوا کارخانه‌های هوشمند	-	
Moktadir <i>et al.</i> (2019)	تحلیل کلان‌داده‌ها	فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی تولیدی	بنگلادش	
Zhang and Lam, (2019)	تحلیل کلان‌داده‌ها	دلخی فازی، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی و تاپسیس خدماتی	ستنگپور	
Kamble <i>et al.</i> (2019)	اینترنت اشیا	مدل‌سازی تفسیری-ساختاری و میکمک، دیمتل زنجیره تأمین غذا	هنگ	
Kamble <i>et al.</i> (2018)	نسل چهارم صنعت	مدل‌سازی تفسیری-ساختاری، میکمک تولیدی	هنگ	
Alharthi <i>et al.</i> (2017)	تحلیل کلان‌داده‌ها	تحلیل محتوا سازمان‌ها	-	
Ardagna <i>et al.</i> (2016)	تحلیل کلان‌داده‌ها	تحلیل محتوا سازمان‌ها	-	
پژوهش حاضر	تحلیل کلان‌داده‌ها	مدل‌سازی تفسیری-ساختاری جامع و میکمک	بیمه	ایران

اتومبیل نشان داده که چگونه شرکت‌های بیمه به‌شکلی فراینده از تلفیق منابع داده‌ای سنتی مانند داده‌های جمعیت‌شناسی یا در معرض با منابع داده‌ای جدید مانند داده‌های رسانه‌های برخط یا تلماتیکس برای تولید اطلاعاتی به‌مراتب تفضیلی‌تر درباره ویژگی‌ها، رفتارها و سبک زندگی مشتریان استفاده می‌کنند (IOPA, 2019). فهرست نه‌چندان جامعی از انواع داده‌های سنتی و غیرسنتی و منابع تولید آنها در صنعت بیمه به‌شرح مندرج در جدول ۲ است.

کاربرد تحلیل کلان‌داده‌ها در صنعت بیمه شاید اصلی ترین کاربرد کلان‌داده‌ها در صنعت بیمه کمک به ارتقاء رضایتمندی مشتریان باشد. با تحلیل داده‌های بیمه‌ای می‌توان به شناختی بهتری از مشتریان دست یافت و در رشته‌های مختلف قیمت‌هایی متناسب با نیاز هر فرد پیشنهاد داد (Insurance Research Center, 2020). با تحلیل کلان‌داده‌ها بیمه‌گران نیازهای کاربران را بهتر تحلیل می‌کنند و بهشیوه‌ای علمی‌تر، بازهزینه‌ای کمتر و در زمانی کوتاه‌تر به توسعه محصولات طبق داده‌های رفتاری مشتریان می‌پردازند (Zheng and Guo, 2020). همچنین، تحلیل کلان‌داده‌ها با غنایخشی به عوامل ریسک بیمه، قیمت‌گذاری محصولات بیمه‌ای را از اساس تغییر داده و بهره‌گیری از اطلاعات ریسک افراد در تنظیم پویای حق بیمه آنها را ممکن می‌سازد (Prabhu *et al.*, 2019). محصولات و مشتریان رابطه نزدیکی با تحلیل کلان‌داده‌ها در صنعت بیمه دارند. کلان‌داده‌ها می‌توانند به جذب صحیح مشتریان جدید، تبدیل شبه‌مشتریان

مؤثر از آن فراتر از ظرفیت فرایندها و ابزارهای سنتی است (Sun *et al.*, 2015). این مجموعه داده‌ها صرفاً به داده‌های ساختاری‌افته محدود نمی‌شوند و داده‌های گردآوری‌شده از منابع مختلف و جدیدی نظیر ایمیل‌ها، رسانه‌های اجتماعی، اینترنت اشیا، هوشمند و حسگرهای متصل به اینترنت را نیز در برمی‌گیرند (Gupta and George, 2016). تحلیل کلان‌داده‌ها به توانایی استخراج نتایج معنادار از داده‌های کلان توسط فنون ریاضی، اقتصادی، آماری، شبیه‌سازی و بهینه‌سازی با هدف گرفتن تصمیمات بهتر و کسب مزیت رقابتی برای شرکت‌ها اشاره دارد (Wamba *et al.*, 2015). در طول چرخه عمر محصولات بیمه‌ای، بیمه‌گران از داده‌ها برای اهداف مختلفی مانند انتخاب ریسک، بازاریابی، توسعه محصول و مدیریت خسارت‌ها استفاده می‌کنند. شکل سنتی داده‌ها که معمولاً در قالب داده‌های جمعیت‌شناسی، پژوهشکاری، رفتاری، در معرض، خسارت، ... نمود پیدا می‌کند، غالباً از خود مشتریان تهیه می‌شود. این در حالی است که اخیراً با شکل‌گیری و گسترش فناوری‌های دیجیتال امکان دسترسی و بهره‌گیری از منابع داده‌ای جدیدی برای بیمه‌گران فراهم شده است. در مقایسه با داده‌های سنتی، این نوع داده‌ها لزوماً توسط بیمه‌گذار و به‌واسطه تعاملات مستقیم وی با بیمه‌گر گردآوری یا تولید نمی‌شوند. بلکه از راه منابع غیرمستقیم چون دستگاه‌های تلفن همراه، حسگرهای فناوری ماهواره و اینترنت حاصل می‌شوند که می‌توانند هم درون بستر صنعت بیمه و هم خارج از آن در دسترس بیمه‌گر باشند (International Association of Insurance Supervisors, 2020). اخیراً بررسی کاربرد تحلیل کلان‌داده‌ها در بیمه درمان و

جدول ۲: برخی از انواع دادههای سنتی و جدید در صنعت بیمه و منابع تولید آنها

نوع دادهها	مثال	ماهیت	کاربرد	منبع دادهها
دادههای سنتی				
جمعیت‌شناسی	سن، جنسیت، وضع تأهل، شغل، آدرس	شخصی	انتخاب ریسک	بیمه‌گذار
پزشکی	سابق پزشکی، وضعیت پزشکی، وضعیت اعضا خانواده، نتایج آزمایش‌های زننگی	شخصی	انتخاب ریسک	بیمه‌گذار
در معرض	نوع خودرو، ارزش دارایی‌های درون ساختمان، نوع و ویژگی‌های محل اقامت	شخصی/غیرشخصی	انتخاب ریسک	بیمه‌گذار
رفتاری	استعمال دخانیات، مصرف مشروبات الکلی، میزان رانندگی در طول سال، سهم فرانشیز، نرخ بیش بیمه	شخصی/غیرشخصی	انتخاب ریسک، بازاریابی	بیمه‌گذار، آمارهای صنعت
خسارت	گزارش‌های خسارت تصادفات رانندگی، پروندهای خسارت‌ها	شخصی/غیرشخصی	مدیریت خسارت‌ها	بیمه‌گذار، تبادل اطلاعات درون صنعت
جمعیتی	نرخ مرگ و میر، نرخ بیماری‌ها، تصادفات رانندگی	دادههای بی‌نام و دادههای شخصی یکپارچه شده	انتخاب ریسک	دولت، آمارهای صنعت، دانشگاه‌ها
بلایای طبیعی	فراوانی و شدت بلایای طبیعی	غیرشخصی	انتخاب ریسک	دولت، آمارهای صنعت، دانشگاه‌ها
سایر	اطلاعات کسب شده از تعمیرگاه‌های خودرو، گزارش ارزیابی خسارت، اطلاعات انتیاری افاده	شخصی/غیرشخصی	انتخاب ریسک، بازاریابی، بیمه‌گذار، آذان‌های اعتبارستجویی، آذان‌های ارزیابی کننده خسارات	مدیریت خسارت‌ها
دادههای جدید در عصر دیجیتال‌سازی				
اینترنت اشیاء	رفتار رانندگی (تلماتیکس)، فعالیت‌های فیزیکی و شرایط پزشکی (تجهیزات پوشیدنی)، تجهیزات مراقبتی (خانه‌های هوشمند)، سیستم موقعیت‌یاب جهانی	شخصی	انتخاب ریسک، مدیریت خسارت‌ها	تجهیزات گردآوری داده‌ها
رسانه‌های آنلاین	جستجو در وب، رفتار خرید آنلاین، فعالیت در رسانه‌های اجتماعی	شخصی	انتخاب ریسک، بازاریابی	شرکت‌های فناور (ارائه‌دهنگان خدمات اینترنتی، موتورهای جستجوگر، کسب‌وکارهای الکترونیک، بلندفروشی‌های رسانه‌های اجتماعی، اینشورتک‌ها)
دیجیتالی در اختیار بیمه‌گر	حاصل از تعامل با بیمه‌گزاران (مرکز پاسخ‌گویی تلفنی، اطلاعات حساب کاربری، رفتارهای آنلاین افراد هنگام ورود به وب‌سایت یا استفاده از اپلیکیشن بیمه‌گر) عکس‌های سلفی، اطلاعات پرواز، اطلاعات پلیس راهور، مرکز اطلاعات و اسناد پزشکی، فناوری لیدار*	شخصی	بازاریابی، مدیریت خسارت‌ها	مرکز تلفن یا واحد خدمات مشتریان بیمه‌گر، اپلیکیشن‌ها و وب‌سایت‌های بیمه‌گران
سایر داده‌های دیجیتال	به مشتریان واقعی، بخش‌بندی دقیق‌تر بازار، حفظ مشتریان فعلی از طریق بازاریابی هدفمندتر و کاهش مؤثر ریزش مشتریان کمک کنند (Zheng and Guo, 2020). همچنین، استفاده از کلاندادهها بر کارایی فرایندهای داخلی شرکت‌های بیمه می‌افزاید. به کمک تحلیل کلاندادهها فرایندهای تکراری خودکارسازی می‌شوند و برخی امور پیچیده مانند دریافت مطالبات و ارزیابی دارایی‌ها به‌طور هوشمند انجام می‌شوند (Insurance Research Center, 2020).	شخصی/غیرشخصی	انتخاب ریسک، بازاریابی، مدیریت خسارت‌ها	بیمه‌گذار، همه انواع داده‌های مرتبط ممکن

Keller et al. (2018); Nagendra et al. (2020); Mullins et al. (2021); Rawat et al. (2021); International Association of Insurance Supervisors (2020)

*: LiDAR technology

اجتماعی، بیمارستان‌ها و دیگر مؤسسات، پایگاه‌های اطلاعاتی مفیدی را برای شناسایی مشتریان پر ریسک، تهیه فهرست‌های خاص و شناسایی بهنگام ریسک‌های بالا ایجاد می‌کند (Zheng and Guo, 2020).

مowanع پذیرش تحلیل کلاندادهها در این بخش، با اتکا به پیشینه بارزترین مowanع پذیرش تحلیل کلاندادهها معرفی می‌شود.

الف- هزینه بالای سرمایه‌گذاری: استفاده از فناوری کلاندادهها مستلزم سرمایه‌گذاری سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و مغزافزاری بالایی است (2017) (Verma and Bhattacharyya, 2018). در بیشتر موقع، هزینه بالای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و فناوری‌های تحلیل کلاندادهها باعث کاهش تمایل شرکت‌ها به پذیرش آن می‌شود

به مشتریان واقعی، بخش‌بندی دقیق‌تر بازار، حفظ مشتریان فعلی از طریق بازاریابی هدفمندتر و کاهش مؤثر ریزش مشتریان کمک کنند (Zheng and Guo, 2020). همچنین، استفاده از کلاندادهها بر کارایی فرایندهای داخلی شرکت‌های بیمه می‌افزاید. به کمک تحلیل کلاندادهها فرایندهای تکراری خودکارسازی می‌شوند و برخی امور پیچیده مانند دریافت مطالبات و ارزیابی دارایی‌ها به‌طور هوشمند انجام می‌شوند (Insurance Research Center, 2020).

بهبود کیفیت و کارایی خدمات، ساده‌سازی فرایندها و ارائه خدمات اختصاصی و با ارزش‌افزوده بالا از دیگر فرصت‌های کلاندادهها در صنعت بیمه است (Senousy et al., 2018). تحلیل کلاندادهها نقشی مهم در شناسایی روابط میان اطلاعات نامتقارن و ردیابی تقلب‌ها و اقدامات ضد کلاهبرداری دارد. تحلیل کلاندادهها با اتصال داده‌های گردآوری شده توسط شرکت‌های بیمه، بانک‌ها، تأمین

توسعه حجم قابل توجهی از تجربیات تحت فناوری‌های در حال توسعه زمان بر است (Society Actuarial Science, 2019).

ح- عدم دسترسی به متخصصان مجرب: دسترسی به متخصصان مجرب و ماهر نقشی تعیین‌کننده در پذیرش نوآوری دارد (Lucchetti and Sterlacchini, 2004) و عدم دسترسی به این افراد باعث بروز مشکلات جدی و تحمل هزینه‌های اضافی می‌شود (Maduku et al., 2016). برخی سازمان‌ها به اهمیت داده‌ها و فرسته‌های بالقوه آن پی برداشته، اما عدم دسترسی به افراد مجرب باعث محرومیت از این فرصت‌ها شده است (Hussain and Prieto, 2016).

خ- ضعف یا فقدان مقررات: دولت و سازمان‌ها باید هم‌زمان در ارتقاء و حمایت از ابتکارات و راه حل‌های فنی همکاری کنند (Rose et al., 2015). این همکاری الزامی کلیدی برای توسعه مقررات مؤثر بر تحلیل کلان داده‌ها است (Society Actuarial Science, 2019).

د- لزوم حفظ امنیت داده‌ها و حریم خصوصی مشتریان: در تحلیل کلان داده‌ها اغلب از داده‌های افراد استفاده می‌شود. ترکیب اطلاعات افراد با منابع داده‌ای دیگر چالش‌های قانونی و اخلاقی متعددی ایجاد می‌کند. زیرا داده‌ها می‌توانند حاوی اطلاعات محترمانه قابل تشخیصی درباره شهروندان و دولت باشند. اجرای یک پروتکل امنیتی ضعیف یا نقض محترمانگی داده‌ها می‌تواند به افسای مشخصات شهروندان و حتی تهدید علیه امنیت ملی منجر شود (Liu et al., 2020; Sta, 2017).

روش‌شناسی پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، تحلیل موانع پذیرش تحلیل کلان داده‌ها در صنعت بیمه ایران است. بدین منظور، پس از مرور گسترده پیشینه و دستیابی به فهرستی جامع از موانع پذیرش تحلیل کلان داده‌ها، این فهرست به تأیید مدیران صنعت می‌رسد. سپس، از مدل‌سازی تفسیری‌ساختاری جامع و تحلیل اثرات متقاطع (میکمک) برای تبیین جایگاه و نقش این موانع استفاده می‌شود. ساده‌انگارانه بودن استقلال موانع پذیرش تحلیل کلان داده‌ها از یکدیگر و لزوم درک توالی اثرگذاری این موانع بر هم، بهره‌گیری از مدل‌سازی تفسیری‌ساختاری را توجیه می‌کند. در عین حال، تلفیق این رویکرد با میکمک بینش عمیقی را درباره چارچوب مفهومی موانع پذیرش تحلیل کلان داده‌ها در صنعت بیمه فراهم می‌کند.

شکل ۱ ۱ گام‌های روش‌شناسی پژوهش را نشان می‌دهد. جامعه نظری این پژوهش از افراد دارای تخصص و تجربه بیمه‌ای و آشنا به مباحث تحلیل کلان داده‌ها تشکیل شده است. نمونه‌گیری به شیوه‌ای قضاوی و با توجه به میزان تجربه و تخصص افراد، تنوع تخصص‌ها و تجربیات، علاقه به همکاری و در دسترس

. (Naoui et al., 2020)

ب- آماده نبودن زیرساخت فنی: شرکت‌ها قبل از حرکت به سمت تحلیل کلان داده‌ها باید زیرساخت‌های قوی داشته باشند. شناخت منابع فناوری یک شرکت به ارزیابی سطح بلوغ آن شرکت برای پذیرش فناوری کلان داده‌ها کمک می‌کند. با وجود اتفاق نظر روی مزایای پذیرش کلان داده‌ها، بیشتر سازمان‌ها اهمیت زیرساخت‌ها را نادیده می‌گیرند. این در حالی است که ضعف زیرساخت‌ها منجر به گردآوری داده‌های نادرستی می‌شود که می‌تواند شکست استقرار فناوری‌های کلان داده‌ها را رقم زند (Baig et al., 2019).

پ- فرهنگ سازمانی ضعیف: فرهنگ سازمانی مناسب می‌تواند پشتیبان پذیرش کلان داده‌ها باشد و ریسک این فرآیند را کاهش دهد. فرهنگ سازمانی قوی و این تفکر که داده‌ها منبع ارزشمند برای سازمان هستند موجب تعهد سطح اجرایی و عملیاتی سازمان به تحلیل کلان داده‌ها و کاهش مقاومت در برابر شفافیت اقدامات تجاری ناشی از تحلیل کلان داده‌ها می‌شود (Dremel, 2017).

ت- فقدان تعهد مدیریت ارشد: پشتیبانی مدیریت ارشد به «میزان درک مدیریت ارشد از اهمیت فناوری کلان داده‌ها و مشارکت در ابتکارات مرتبط با این فناوری» اشاره دارد (Park et al., 2015). حمایت قوی تر مدیریت می‌تواند به سازمان کمک کند تا به راحتی مشکلات و پیچیدگی‌های مربوط به فناوری جدید را حل کند و شناس پذیرش را افزایش دهد (Ramamurthy et al., 2008).

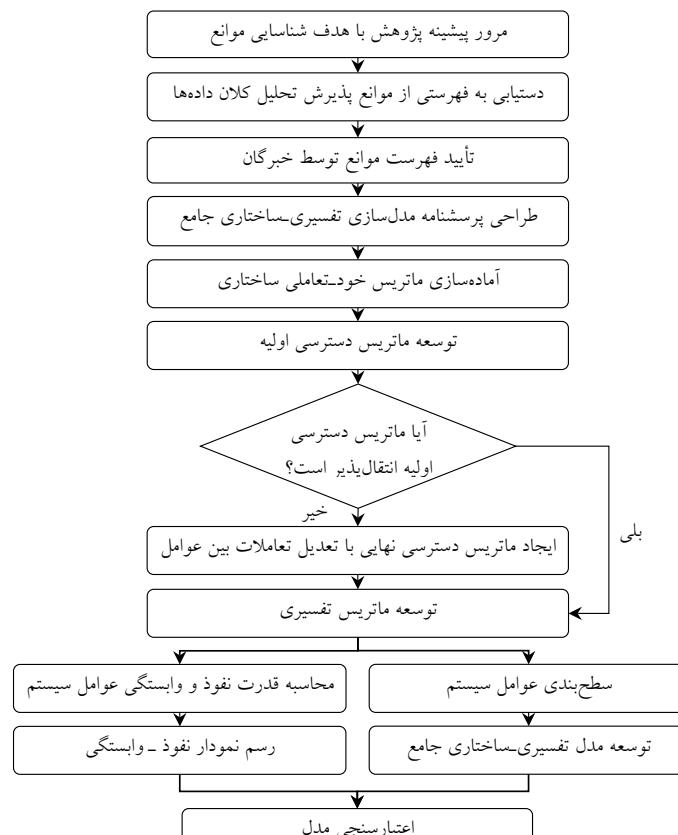
ث- مقاومت کارکنان: معرفی کلان داده‌ها فرسته‌های جدیدی را به سازمان‌ها می‌دهد. اما آمادگی کارکنان برای تغییر عاملی کلیدی برای بهره‌گیری از این مزایا است (Soon et al., 2016). قصد مدیران به نوآوری به ایجاد باورها و نیات مثبت در فرایند پذیرش فناوری کمک می‌کند (Petter et al., 2013) و به کارمندان انگیزه می‌دهد تا بدون نگرانی از شکست ایده‌های جدید را آزمایش کنند (Brock and Khan, 2017).

ج- عدم همکاری میان واحدهای سازمانی: وجود مشکلاتی مانند رقابت برای کسب منابع، اهداف متقاضی، تضاد منافع و اختلاف نظرها میان بخش‌های سازمان امری اجتناب‌ناپذیر است. درنتیجه، عدم همکاری میان واحدهای سازمانی به عنوان مانع کلیدی منجر به شکست در اجرای فناوری در کل سازمان می‌شود (Peng and Nunes, 2009).

ج- محدودیت زمانی: جمع‌آوری متخصصان از بخش‌های مختلف با دیدگاه‌هایی متفاوت، جمع‌آوری داده‌ها از بخش‌های مختلف سازمان، اعتبارسنجی، پیگیری، و توسعه فعالیتی زمان بر و خسته‌کننده است (Arunachalam et al., 2018). بیمه‌گران به تدریج و باحتیاط اطلاعات حاصل از تحلیل کلان داده‌ها را در قیمت‌گذاری و سایر عملیات بیمه می‌گنجانند. زیرا تغییر رفتارها و

جدول ۳. اطلاعات جمعیت‌شناسی نمونه پژوهش

واحد سازمانی	میزان تحصیلات	تعداد	سابقه شغلی (سال)
مدیر بازاریابی	دکتری	۱	۱۲
رئیس اداره عمر	کارشناسی ارشد	۱	۱۷
معاون مدیرعامل	کارشناسی ارشد	۱	۱۵
مدیر توسعه کسب و کارهای نوین	کارشناسی ارشد	۱	۱۴
مدیر فناوری اطلاعات	کارشناسی ارشد	۲	۱۳/۵



شکا ۱: گاههای پژوهش

قادر به تفسیر پیوند بین متغیرها و بهبیان دیگر، انعکاس چرایی ساختمناظری نیست (Patil and Suresh, 2019). لذا، (Sushil) 2012 رویکرد پیشرفت‌های موسوم به مدل‌سازی تفسیری- ساختاری جامع را توسعه داد که قادر به تفسیر پیوند بین متغیرها است. به پیروی از (Chaple et al. 2021)، گام‌های مدل‌سازی تفسیری-ساختاری جامع به شرح زیر است.

الف- آماده‌سازی، ماتریس خودتعامل، ساختاری، ابتداء، و انت

بودن آنها انجام شده است. در **جدول ۳** اطلاعات جمعیت‌شناسی نمونه بُنده‌هیش، آرائه شده است.

مدل‌سازی تفسیری-ساختاری جامع
این تکنیک بین متغیرهای سیستم ارتباط برقرار می‌کند و آنها را در ساختار سلسله مراتبی نظام یافته‌ای جای می‌دهد. البته، مدل‌سازی تفسیری ساختاری صرفاً بر تفسیر گرهات تمرکز دارد و

متغیر شامل کلیه عناصری از سیستم است که به آن متغیر منتهی می‌شوند. برای تعیین مجموعه پیش‌نیاز هر متغیر، ستون مربوط به آن متغیر در ماتریس دسترسی نهایی بررسی می‌شود، تعداد اهای این ستون نشان‌دهنده خطوط جهت‌داری است که به آن متغیر وارد می‌شوند. پس از تعیین مجموعه دسترسی و پیش‌نیاز هر متغیر، عناصر مشترک این دو مجموعه برای هر متغیر شناسایی می‌شوند. اکنون نوبت سطح‌بندی متغیرها است. در اولین جدول، متغیری بالاترین سطح مدل تفسیری‌ساختاری را اختیار می‌کند که مجموعه دسترسی و عناصر مشترک آن مانند هم باشند. پس از تعیین این متغیر(ها) آنها را از جدول حذف می‌کیم و با متغیرهای باقی‌مانده جدول دوم را تشکیل می‌دهیم. در این جدول مانند جدول اول، متغیر(ها) سطح دوم مشخص می‌شود و این عملیات تا تعیین سطح همه متغیرها تکرار می‌شود.

ج- توسعه مدل تفسیری‌ساختاری جامع: اکنون، روابط سلسله‌مراتبی میان متغیرها توسط پیکان‌های جهت‌دار و در قالب یک دیاگراف رسم می‌شود. برای پرهیز از پیچیده شدن دیاگراف، معمولاً به انعکاس روابط مستقیم و در برخی مواقع روابط غیرمستقیم مهم بسته می‌شود. به علاوه، با درج تفسیر روابط در کنار پیکان‌ها تصویری گویاگر از سیستم ارائه می‌شود.

تحلیل اثرات متقابل

در دیاگراف مدل سازی تفسیری‌ساختاری، بررسی روابط مستقیم میان عوامل نشان می‌دهد که عوامل با تأثیر قوی چگونه با سرکوب عوامل ضعیفتر در صدد اثرگذاری بر سیستم برمی‌آیند. اما بررسی روابط متقابل غیرمستقیم بین عوامل در این دیاگراف معمولاً کاری دشوار و پیچیده است. این روابط می‌توانند از طریق زنجیرهای و حلقه‌های کشی، واکنشی، یا بازخوردی بر سیستم اثر بگذارند. گاهی اوقات تعداد این زنجیرهای و حلقه‌ها چنان زیاد است که تفسیر روابط غیرمستقیم بدون کمک رایانه ممکن نیست. با هدف کاستن از این پیچیدگی، روش تحلیل اثرات متقابل ارائه شده است. این روش با بررسی موقعیت متغیرها در یک سیستم سلسله‌مراتبی به تبیین نقش و رفتار آنها کمک می‌کند. در این تحلیل، متغیرها با توجه به قدرت نفوذ و وابستگی در نموداری موسوم به نمودار نفوذ‌وابستگی جایابی می‌شوند. این نمودار به تحلیل و طبقه‌بندی متغیرهای سیستم کمک می‌کند. قدرت نفوذ هر عامل از جمع اهای موجود در ردیف‌ها و قدرت وابستگی هر عامل از جمع اهای موجود در ستون‌های آن عامل در ماتریس دسترسی نهایی حاصل می‌شود. مطابق شکل (۲)، هر متغیر بسته به قدرت نفوذ و وابستگی خود در یکی از ربع‌های چهارگانه قرار می‌گیرد. متغیرهای مستقل از نفوذ بالا و وابستگی پایینی برخوردارند، کلیدی‌ترین مؤلفه‌های

میان عناصر سیستم به کمک خبرگان و در قالب ماتریس خودتعاملی ساختاری سازماندهی می‌شود. در این ماتریس، پاسخ‌دهنده‌گان برای بیان رابطه بین دو عنصر (i, j) از نمادهای 7 (عنصر i منجر به عنصر j می‌شود) A (عنصر j منجر به عنصر i می‌شود)، X (عناصر i و j منجر به هم می‌شوند) و O (عناصر i و j منجر به هم نمی‌شوند) استفاده می‌کنند.

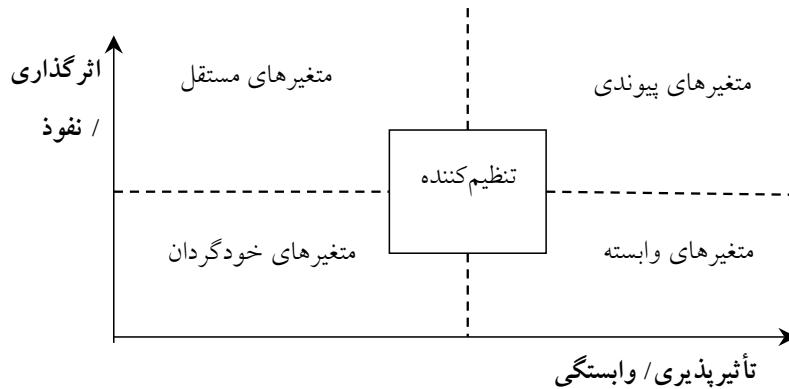
ب- ایجاد ماتریس خودتعاملی ساختاری ادغامی و ماتریس دسترسی اولیه: در این گام، از قاعده M برای ادغام ماتریس‌های خودتعاملی ساختاری خبرگان و تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری ادغامی استفاده می‌شود. سپس با استفاده از این ماتریس و به کمک رابطه (1) ماتریس دسترسی اولیه تشکیل می‌شود.

- اگر در ماتریس خود تعاملی، خانه (i, j) نماد 7 اختیار کند، خانه متناظر در ماتریس دسترسی عدد 1 و خانه قرینه آن، یعنی (j, i) عدد صفر اختیار می‌کند.
- اگر در ماتریس خود تعاملی، خانه (i, j) نماد A اختیار کند، خانه متناظر در ماتریس دسترسی عدد صفر و خانه قرینه آن، یعنی (j, i) عدد 1 اختیار می‌کند.
- اگر در ماتریس خود تعاملی، خانه (i, j) نماد X اختیار کند، خانه متناظر در ماتریس دسترسی عدد 1 و خانه قرینه آن، یعنی (j, i) عدد 1 اختیار می‌کند.
- اگر در ماتریس خود تعاملی، خانه (i, j) نماد O اختیار کند، خانه متناظر در ماتریس دسترسی عدد صفر و خانه قرینه آن، یعنی (j, i) عدد 1 اختیار می‌کند.

پ- ایجاد ماتریس دسترسی نهایی: ماتریس دسترسی اولیه باید انتقال‌پذیر باشد؛ یعنی اگر (α) منجر به (β) و (β) منجر به (γ) شود، آنگاه باید (α) هم منجر به (γ) شود. در صورت نقض این شرط، می‌توان با نظرخواهی دوباره از خبرگان در صدد اصلاح ماتریس دسترسی اولیه و تشکیل ماتریس دسترسی نهایی برآمد.

ت- توسعه ماتریس تفسیری: مقدار 1 در ماتریس دسترسی نهایی بیانگر وجود رابطه بین دو عنصر است و لذا این رابطه باید توسط خبرگان تفسیر شود. می‌توان تفسیر این روابط توسط خبرگان را در ماتریسی موسوم به ماتریس تفسیری منعکس کرد.

ث- سطح‌بندی متغیرهای سیستم: بدین منظور، مجموعه‌های دسترسی و پیش‌نیاز هر متغیر تعیین می‌شود. مجموعه دسترسی یک متغیر شامل کلیه عناصری از سیستم است که از آن متغیر نشأت می‌گیرند. برای تعیین مجموعه دسترسی هر متغیر، سطر مربوط به آن متغیر در ماتریس دسترسی نهایی بررسی می‌شود. تعداد اهای این سطر نشان‌دهنده خطوط جهت‌داری است که از آن متغیر خارج می‌شوند. در عین حال، مجموعه پیش‌نیاز یک



شکل ۲: نمودار نفوذ-وابستگی در تحلیل اثرات متقابل
(Saxena and Vrat, 1990)

مدیران صنعت مشخص شد. سپس ماتریس‌های خودتعاملي مدیران صنعت با هدف مشخص کردن روابط میان موانع تشکیل شد. در ادامه، ماتریس خودتعاملي ادغامی بر اساس بیشترین فراوانی روابط میان موانع تنظیم شد **جدول ۵**. برای نمونه در این جدول، درج علامت \textcircled{C} برای دو مانع \textcircled{C}_1 و \textcircled{C}_2 نشان از اثر یک‌سویه «عدم آمادگی زیرساخت فنی شرکت» بر «لزوم حفظ امنیت داده‌ها و حریم خصوصی مشتریان» دارد.

با در اختیار داشتن ماتریس خودتعاملي ساختاری ادغامی، ماتریس دسترسی اولیه به کمک رابطه (۱) تشکیل شد. سپس با نظرخواهی دوباره از مدیران صنعت، شرط انتقال‌پذیری در این ماتریس برقرار شد و بدین ترتیب ماتریس دسترسی نهایی به دست آمد. **جدول ۶** نتایج حاصل را نشان می‌دهد. در این جدول، ۱۱ ای‌ها حاصل از فرایند انتقال‌پذیری کردن ماتریس دسترسی اولیه با علامت (*) مشخص شده‌اند.

در ادامه، با در اختیار داشتن ماتریس دسترسی نهایی، ماتریس تفسیری شکل گرفت. بدین منظور، از خبرگان خواسته شد تا تفسیر خود را درباره ۱۱ ای‌ها ماتریس دسترسی نهایی بیان کنند. مطابق **جدول ۷**، ماتریس تفسیری درواقع همان ماتریس دسترسی نهایی است که در آن تفسیر روابط بین عناصر جایگزین ۱۱ ای‌ها شده است.

سپس، ماتریس دسترسی نهایی مبنای سطح‌بندی موانع قرار گرفت. بدین‌منظور، با توجه به ماتریس دسترسی نهایی، مجموعه‌های دسترسی و مقدم هر مانع تعیین شد. برای مثال؛ در **جدول ۸**، مجموعه دسترسی مانع \textcircled{C}_1 شامل موانعی است که این مانع بر آنها اثر می‌گذارد. در عین حال، مجموعه پیش‌نیاز مانع \textcircled{C}_1 شامل موانعی است که این مانع از آنها تأثیر می‌پذیرد. سپس مجموعه مشترک هر مانع تعیین شد. این مجموعه شامل موانع

سیستم محاسبه می‌شوند و هرگونه تغییر در آنها باعث تغییر در کارکرد سیستم می‌شود. متغیرهای پیوندی هم‌زمان دارای قدرت نفوذ و وابستگی بالایی هستند. این ماهیت ناپایدار باعث می‌شود تا هر تغییری در آنها منجر به تغییر در دیگر متغیرها شود. لذا این متغیرها عوامل کلیدی سیستم را تبیین می‌کنند. متغیرهای وابسته دارای قدرت نفوذ پایین و تأثیرپذیری بالایی هستند و در مقایسه با متغیرهای اثرگذار و پیوندی از حساسیت بیشتری برخوردارند و به عنوان خروجی سیستم در نظر گرفته می‌شوند. سرانجام، متغیرهای خودگردان با قدرت نفوذ و وابستگی پایین، ارتباط کمی با سیستم دارند و باعث توقف یا پیشرفت سایر متغیرها نمی‌شوند.

نتایج و بحث

برای استخراج و شناسایی موانع پذیرش تحلیل کلان داده‌ها در صنعت بیمه، مقالات تجربی در بازه ۲۰۱۶-۲۱ بررسی شد. *Big Data Analytics, Industry 4.0, Barriers and Obstacles* میان آن‌ها ۱۲ مقاله با تحلیل موانع پذیرش کلان داده‌ها و الباقی با تحلیل موانع پذیرش اینترنت اشیاء، نسل چهارم صنعت، و تحول دیجیتال مرتبط بود. پس از جستجو در پیشینه، ۱۰ مانع به عنوان بازترین موانع پذیرش تحلیل کلان داده‌ها شناسایی شد. برای اطمینان از رویه رو بودن صنعت بیمه کشور با موانع شناسایی شده، این مانع طی چند جلسه بحث و تبادل نظر با مدیران صنعت به تأیید ایشان رسید. **جدول ۹** این مانع را نشان می‌دهد.

پس از شناسایی موانع پذیرش تحلیل کلان داده‌ها در صنعت بیمه کشور، روابط میان موانع در قالب ماتریس خودتعاملي توسط

جدول ۴. موانع پذیرش فناوری تحلیل کلاندادهای

منبع															مانع	کد	
۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
*					*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	هزینه بالای سرمایه‌گذاری	C _۱
*	*	*	*	*		*		*	*	*	*	*	*	*	*	عدم آمادگی زیرساخت فنی شرکت	C _۲
*	*	*	*				*			*	*					فرهنگ ضعیف سازمانی	C _۳
							*			*	*					فقدان تعهد مدیریت ارشد	C _۴
*							*		*		*					محدودیت زمانی	C _۵
					*				*		*					مقاومت کارکنان	C _۶
		*							*							عدم همکاری میان واحدهای سازمان	C _۷
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*		عدم دسترسی به متخصصان مجرب	C _۸
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*		لزوم حفظ امنیت داده‌ها و حریم خصوصی مشتریان	C _۹
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*		ضعف یا فقدان مقررات	C _{۱۰}

Alalawneh and Alkhatib, (2021); Alharti *et al.* (2017); chen *et al.* (2020); Li *et al.* (2019); Moghtader *et al.* (2019); Tabesh *et al.* (2019); Raut *et al.* (2021); Kamble *et al.* (2019); Society of Actuaries, (2019); Singh *et al.* (2019); Raj *et al.* (2020); Khan *et al.* (2021); Hussain and Prieto, (2016); Ardagna *et al.* (2016); Zhang *et al.* (2019)

جدول ۵: ماتریس خود تعاملی ساختاری ادغامی

C _۱	C _۲	C _۳	C _۴	C _۵	C _۶	C _۷	C _۸	C _۹	C _{۱۰}	مانع
X	0	X	A	A	A	A	0	A	0	C _۱
	0	A	V	O	O	A	V	O	O	C _۲
		A	X	V	V	O	O	O	A	C _۳
			A	V	V	O	O	O	A	C _۴
				A	A	A	O	O	O	C _۵
					X	A	O	A	A	C _۶
						O	O	O	O	C _۷
							O	O	O	C _۸
								O	O	C _۹
									A	C _{۱۰}

جدول ۶: ماتریس دسترسی نهایی

نفوذ	C _{۱۰}	C _۹	C _۸	C _۷	C _۶	C _۵	C _۴	C _۳	C _۲	C _۱	علت	
۵	*	*	۱	*	*	*	*	۱	*	۱	بالا بودن هزینه سرمایه‌گذاری	C _۱
۴	*	۱	*	*	*	۱	*	*	۱	۱	عدم آمادگی زیرساخت فنی شرکت	C _۲
۳	*	*	*	۱	۱	*	*	۱	*	*	فرهنگ ضعیف سازمانی	C _۳
۷	*	*	*	۱	۱	*	۱	۱	۱	۱	فقدان تعهد مدیریت ارشد	C _۴
۳	*	*	*	*	*	۱	۱	*	*	۱	محدودیت زمانی	C _۵
۴	*	*	*	۱	۱	۱	*	*	*	*	مقاومت کارکنان	C _۶
۴	*	*	*	۱	۱	۱	*	*	*	۱	عدم همکاری میان واحدهای سازمان	C _۷
۸	*	*	*	۱	۱	۱	*	*	۱	*	عدم دسترسی به متخصصان مجرب	C _۸
۲	*	۱	*	*	*	*	*	*	*	۱	لزوم حفظ امنیت داده‌ها و حریم خصوصی مشتریان	C _۹
۴	۱	۱	*	*	۱	*	۱	*	*	*	ضعف یا فقدان مقررات	C _{۱۰}
-	۱	۶	۱	۵	۶	۶	۵	۲	۴	۸	وابستگی	

جدول ۷. ماتریس تفسیری

C _۱	C _۲	C _۳	C _۴	C _۵	C _۶	C _۷	C _۸	C _۹	مانع
عدم جدیت در رعایت ملاحظات امنیتی و حریم خصوصی	-	-	-	نگرانی از عدم بازگشت عدم امکان تأمین بهموقع منابع مالی	-	-	-	تأکید بر صرفه جویی در هزینه ها	C _۱
عدم پشتیبانی از حریم خصوصی مشتریان	-	-	-	الرامات مرتبط با درک پالایش و یکپارچه سازی داده ها	-	-	-	تخصیص بودجه برای زیرساخت فنی	C _۲
توس از تغییرات همکاری میان بخشی اولویت ندادن به موضوع	-	-	-	عدم حمایت از اقدامات تشویقی بودجه و تنبیه	اولویت ندادن به موضوع	-	-	تأکید بر روش ها و ارزش ها و هنجارها	C _۳
اوپریت ندادن به موضوع	-	-	-	کوتاه مدت بودن دوره مدیریت	-	-	-	تأکید بر روش ها و ارزش ها و هنجارها	C _۴
باعث عدم تمايل واحدها به همکاری و هماهنگی می شود.	-	-	-	عدم همکاری و بعض کارشکنی در پیشبرد بروزه	-	-	-	کوتاه مدت بودن دوره مدیریت	C _۵
تسویی نگاه کارکنان	-	-	-	عدم موفقیت در اجرای تغییرات	-	-	-	کوتاه مدت بودن دوره مدیریت	C _۶
انتخاب نادرست فناوری ها و پروتکل های امنیتی	-	-	-	عدم تشویق مدیریت و تطویل فرایند تغییر از سیستم سنتی به فناوری کارکنان	ایهام و تردید درباره نموده اجرا و نتایج پیامدهای منفی تغییر	-	-	ناتوانی در خرید، ایجاد، و راه اندازی ابزارها	C _۷
فناوری های زیرساخت قانونی برای استفاده	-	-	-	نگرانی و ترس از تبعات نامطلوب	نگرانی و ترس از شکل دهنده	-	-	ناتوانی در خرید، ایجاد، و راه اندازی ابزارها	C _۸
مانع اثربار بر آن و تعداد موانع اثربار از آن نشان می دهد. طبق نمودار، از نظر مدیران صنعت، مانع C _۱ بر هشت مانع اثر می گذارد (نفوذ بالا) و تنها از یک مانع تأثیر می پذیرد (وابستگی پایین). همچنین، دیاگراف مدل تفسیری ساختاری شکل ۴ بیانگر روابط حاکم بر موانع پذیرش تحلیل کلان داده ها است. برای نمونه، با نگاه به این دیاگراف می توان دریافت که «عدم دسترسی به متخصصان مجرّب» از چه مسیری بر مانع «محدودیت زمانی» اثر می گذارد. قرارگیری «عدم دسترسی به متخصصان مجرّب» در پایین ترین سطح ساختار پنج سطحی مدل تفسیری ساختاری جامع نشان از نقش ریشه ای این مانع در پذیرش تحلیل کلان داده ها در صنعت بیمه کشور دارد. در سطح چهارم، دو مانع «محدودیت زمانی» و «قدان تعهد مدیریت ارشد» ضمن اثرباری بر دیگر موانع سطوح بالاتر، توسط مانع سطح پنجم هدایت می شوند. با رفتن به سطوح بالاتر ساختار سلسله مراتبی و قرارگیری موانع «ضعف یا فقدان مقررات» و «فرهنگ ضعیف سازمانی» در سطح سوم، «عدم همکاری میان واحدهای سازمان»، «مقامات کارکنان»، و «عدم آمادگی زیرساخت فنی» در سطح دوم؛ و نهایتاً «لزوم حفظ امنیت	مشترک در دو مجموعه دسترسی و پیش نیاز است. طبق جدول ۸، برای مانع C _۱ این مجموعه دارای پنج عضو است. برای سطح بندی موانع، ابتدا مانع دارای مجموعه دسترسی و مشترک یکسان در اولین سطح سلسله مراتب مدل تفسیری ساختاری قرار گرفتند. سپس این مانع از تحلیل کنار گذاشته شدند و فرایند برای باقی موانع و تا سطح بندی همه آنها تکرار شد. بر این اساس، چون در نخستین تکرار مجموعه های دسترسی و مشترک مانع C _۲ و C _۳ یکسان بود، این دو مانع در سطح نخست جای گرفتند و در تکرار بعد از تحلیل حذف شدند. این فرایند تا تشکیل جدول ۹ تکرار شد. پس از سطح بندی مانع، مدل سلسله مراتبی حاکم بر مانع بر حسب درجه وابستگی و نفوذ رسم شد. همچنین، از نتایج ماتریس دسترسی نهایی جدول ۶ برای نمایش موانع پذیرش تحلیل کلان داده ها در نمودار نفوذ وابستگی میکمک استفاده شد. نمودارهای نفوذ وابستگی و مدل تفسیری ساختاری موانع پذیرش تحلیل کلان داده ها در صنعت بیمه کشور در شکل های ۳ و ۴ منعکس شده اند.	نمودار نفوذ وابستگی شکل ۳ جایگاه هر مانع را از منظر تعداد							

جدول ۸: سطح‌بندی ماتریس دسترسی نهایی - تکرار ۱

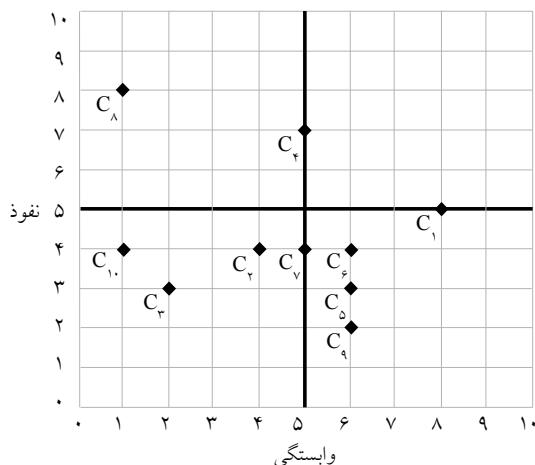
سطح	مجموعه مشترک	مجموعه پیش‌نیاز	مجموعه دسترسی	علت
۱	۹۵۴۲۱	۱۰۹۸۷۶۵۴۲۱	۹۵۴۲۱	C _۱
	۵۲۱	۱۰۸۵۴۲۱	۹۵۲۱	C _۲
۳	۵۴۳	۷۶۳	۷۶۳	C _۳
۷۶۴۱	۱۰۸۷۶۵۴۱	۹۷۶۴۳۲۱	۹۷۶۴۳۲۱	C _۴
۵۴۱	۸۷۶۵۴۳۲۱	۱۰۵۴۱	۱۰۵۴۱	C _۵
۷۶۵	۱۰۸۷۶۵۴۳	۷۶۵۱	۷۶۵۱	C _۶
۷۶۵	۱۰۸۷۶۵۴۳	۷۶۵۱	۷۶۵۱	C _۷
۸	۸	۹۸۷۶۵۴۲۱	۹۸۷۶۵۴۲۱	C _۸
۱	۹۱	۱۰۹۸۴۲۱	۹۱	C _۹
	۱۰۴	۱۰۴	۱۰۹۶۳۴	C _{۱۰}

جدول ۹: سطح‌بندی ماتریس دسترسی نهایی - تکرار ۲ تا ۵

سطح	مجموعه مشترک	مجموعه پیش‌نیاز	مجموعه دسترسی	علت
۱	۹۵۴۲۱	۱۰۹۸۷۶۵۴۲۱	۹۵۴۲۱	C _۱
۲	۵۲۱	۱۰۸۵۴۲۱	۹۵۲۱	C _۲
۳	۵۴۳	۷۶۳	۷۶۳	C _۳
۴	۷۶۴۱	۱۰۸۷۶۵۴۱	۹۷۶۴۳۲۱	C _۴
۴	۵۴۱	۸۷۶۵۴۳۲۱	۱۰۵۴۱	C _۵
۲	۷۶۵	۱۰۸۷۶۵۴۳	۷۶۵۱	C _۶
۲	۷۶۵	۱۰۸۷۶۵۴۳	۷۶۵۱	C _۷
۵	۸	۹۸۷۶۵۴۲۱	۹۸۷۶۵۴۲۱	C _۸
۱	۹۱	۱۰۹۸۴۲۱	۹۱	C _۹
۳	۱۰۴	۱۰۴	۱۰۹۶۳۴	C _{۱۰}

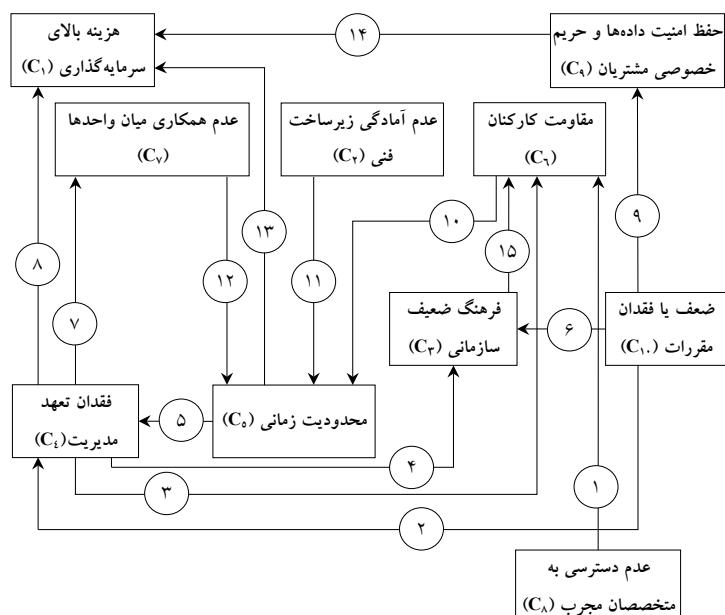
داده‌ها و حریم خصوصی مشتریان» و «هزینه بالای سرمایه‌گذاری» در سطح اول، به تدریج از اهمیت موانع کاسته می‌شود. با جایابی موانع در نمودار نفوذ‌وابستگی مشخص شد که موانع مستقر در ناحیه «خودگردان» از اهمیت کمی برخوردارند؛ زیرا منجر به توقف یا کاهش اثرگذاری دیگر موانع سیستم نمی‌شوند. البته این موضوع لزوماً به معنای نادیده انگاشتن این موانع نیست. مثلاً با وجود قرارگیری «عدم آمادگی زیرساخت فنی شرکت» و «عدم همکاری میان واحدهای سازمان» در منطقه خودگردان، حضور این موانع در نزدیکی مرکز نمودار میکمک نادیده گرفتن آنها را غیرمنطقی کرده است. لذا می‌توان این دو مانع را در ردیف متغیرهای تنظیمی دانست که به دلیل نفوذ بیشتر در قالب متغیرهای ثانویه عمل می‌کنند و نقشی مؤثر در پذیرش فناوری کلان‌داده‌ها دارند. همچنین، با وجود قرارگیری مانع «فقدان قوانین و مقررات» در ناحیه خودگردان، قدرت وابستگی بسیار پایین و قدرت نفوذ نسبتاً بالای این مانع می‌تواند برشمردن این مانع در زمرة متغیرهای مستقل را توجیه کند. لذا، «فقدان قوانین و مقررات» از جمله موانعی است که برای پذیرش تحلیل کلان‌داده‌ها نیازمند توجه

ویره‌ای است. در ناحیه وابسته، «لزوم حفظ امنیت داده‌ها و حریم خصوصی مشتریان» با قدرت نفوذ ۲؛ «محدودیت زمانی» با قدرت نفوذ ۳؛ و « مقاومت کارکنان» با قدرت نفوذ ۴ قرار گرفته‌اند. این موانع با اثرگذاری کم و وابستگی زیاد تحت تأثیر سایر موانع قرار دارند و لذا جزء موانع خروجی بهشمار می‌ایند. «فقدان تعهد مدیریت ارشد» با قدرت نفوذ و وابستگی بالا ساماً قدرت نفوذی بالاتر - در مزr نواحی مستقل و پیوندی و «بالا بودن هزینه سرمایه‌گذاری» با قدرت نفوذ و وابستگی بالا - اما قدرت وابستگی بالاتر - در مزr نواحی وابسته و پیوندی قرار دارند. این دو مانع اگرچه می‌توانند به ترتیب نقش متغیرهای مستقل و وابسته را در سیستم بازی کنند، از خاصیت اهرمی نیز برخوردارند؛ یعنی هرگونه تغییر روی آنها باعث تغییر در سایر موانع می‌شود. سرانجام، قدرت نفوذ زیاد و وابستگی کم «عدم دسترسی به متخصصان مدرج» و «ضعف تعهد مدیران ارشد» آنها را در نقش متغیرهای مستقل سیستم قرار داده است. این وضع لزوم تمرکز بر این موانع به عنوان مهم‌ترین موانع پذیرش تحلیل کلان‌داده‌ها را نشان می‌دهد.



شكل ۳: نمودار نفوذ-وابستگی موانع پذیرش تحلیل کلان داده‌ها

منبع: یافته‌های پژوهش



<ol style="list-style-type: none"> ۸- نگرانی از عدم بازگشت سرمایه ۹- ترس از تغییرات ۱۰- عدم همکاری در پیشبرد پروژه ۱۱- الزامات مربوط به آماده سازی داده ها ۱۲- عدم موافقت در اجرای تغییرات ۱۳- افزایش هزینه های سریار ۱۴- سرمایه گذاری اراضی اراضی روی پروتکل های امنیتی ۱۵- ترس از تغییرات 	<ol style="list-style-type: none"> ۱- اهتمام درباره نحوه اجرا و تابیح ۲- نگرانی و ترس از تبعات نامطلوب ۳- اولویت ندادن به موضوع ۴- عدم حمایت از ارزش ها و هیجان راه ۵- کوتاه بودن دوره مدربریت ۶- غفلان قوانین شکل دهنده فرهنگ ۷- ندادن اولویت به موضوع و عدم تخصیص بودجه
---	--

شکل ۴: دیاگراف مدل سازی تفسیری-ساختاری جامع

جمع‌بندی و پیشنهادها

سازمانی؛ و حمایت از ابتكارات سازمانی، به هدایت فرهنگ سازمان و تسریع پذیرش تحلیل کلان داده‌ها در سازمان کمک کنند. سرانجام، با عنایت به نقش کلیدی دسترسی به مشاوران و متخصصان مجرب در توسعه تحلیل کلان داده‌ها در صنعت بیمه کشور، شرکت‌های بیمه می‌توانند ضمن سرمایه‌گذاری در آموزش کارکنان و تربیت نیروی انسانی داخلی، در تشریک مساعی با دانشگاه‌ها زمینه را برای تربیت فارغ‌التحصیلانی با تخصص‌ها و مهارت‌های موردنیاز صنعت هموار سازند. ایجاد واحدی اختصاصی در شرکت‌های بیمه با هدف پیگیری روش‌های نوین توسعه کسبوکار با محوریت تحلیل کلان داده‌ها می‌تواند به شکل‌گیری چنین رابطه‌ای بین صنعت و دانشگاه‌ها سرعت بخشد. هم‌اکنون، دانشگاه‌های فراوانی با هدف برآوردن نیازهای صنعت، آموزش فناوری‌های کلان داده‌ها و مهارت‌های تحلیلی به دانشجویان را در دستور کار قرار داده‌اند.

این پژوهش متنضم تحقق رویکردی جامع و نظامیافته برای الگوسازی موانع پذیرش تحلیل کلان داده‌ها است و این منظر نخستین تلاش برای تحلیل این موانع در صنعت بیمه بهشمار می‌آید. البته، پژوهش حاضر از چند جنبه با محدودیت‌هایی روبرو است. نخست، بهره‌گیری از گروه محدودی از مدیران صنعت، تعمیم‌پذیری نظری یافته‌ها را تحت الشاعع قرار داده است. تکرار این پژوهش با نظرخواهی از نمونه‌ای بزرگ‌تر از مدیران صنعت می‌تواند به اعتباری‌خشی یافته‌های آن کمک کند. ضمن آن‌که، بهره‌گیری از فنون تحلیل آماری می‌تواند متنضم تعمیم‌پذیری آماری یافته‌ها به کل صنعت باشد. دوم، این پژوهش از مدل‌سازی تفسیری‌ساختاری جامع برای نگاشت روابط علت‌وعلوی حاکم بر موانع پذیرش تحلیل کلان داده‌ها و تبیین چرایی و چگونگی روابط بهره‌برد. اما از سنجش بزرگ‌ای این روابط بازماند. استفاده از دیگر فنون ترسیم نقشه شناختی مانند دیمیتل فازی و نگاشت‌شناختی فازی می‌تواند ضمن رفع این کاستی، به تقویت یافته‌ها و اعتبار الگوی پژوهش کمک کند. سرانجام، این پژوهش صرفاً به تبیین ساختار مسئله پرداخت و از ارائه راهکارهایی برای حل آن بازماند. لذا یافته‌های پژوهش می‌تواند مبنای آن دسته مطالعاتی قرار گیرد که در پی یافتن راهکارها و سیاست‌های مواجهه با موانع پذیرش تحلیل کلان داده‌ها در صنعت بیمه ایران هستند.

مشارکت نویسندگان

گرداوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و نگارش پیش‌نویس مقاله: محدثه منصوری نظارت، هدایت پروژه، روش‌شناسی، بازبینی، اصلاح و ویرایش نهایی مقاله: امیرعلی فوکردی

تشکر و قدردانی

از صاحب‌نظران صنعت بیمه که در این پژوهش، نویسندگان را همراهی کردن، قدردانی می‌شود.

در این پژوهش ابتدا با مور گستردگی پیشینه فهرستی ده‌گانه از موانع پذیرش تحلیل کلان داده‌ها شناسایی شد و به نظرخواهی و تأیید مدیران صنعت رسید. این طبقه‌بندی مبنای تحلیل موانع پذیرش تحلیل کلان داده‌ها در صنعت بیمه قرار گرفت. در ادامه، به کمک مدل‌سازی تفسیری‌ساختاری جامع و تحلیل میکمک، قدرت نفوذ و وابستگی موانع مشخص شد. تلفیق داده‌های حاصل از مور پیشینه با دیدگاه‌های مدیران صنعت و تحلیل آنها توسط فنون مذکور منجر به توسعه چارچوبی برای درک بهتر موانع پذیرش تحلیل کلان داده‌ها در صنعت بیمه کشور شد. یافته‌های پژوهش ضمن تأکید بر متنوع بودن ماهیت موانع، روابط درونی حائز اهمیت میان این موانع را نشان می‌دهد. با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده، «ضعف یا فقدان قوانین و مقررات»، «عدم تعهد مدیریت ارشد» و «عدم دسترسی به متخصصان مجرب» موانع ریشه‌ای پذیرش تحلیل کلان داده‌ها در صنعت بیمه کشور محسوب می‌شوند. لذا، یافته‌های پژوهش بر لزوم تکامل مقررات و همگام‌سازی آن‌ها با تحولات ناشی از ورود تحلیل کلان داده‌ها به صنعت بیمه کشور تأکید دارد. این بدان معنی است که نهادهای ناظر درون و بیرون صنعت نیازمند توسعه مهارت‌های جدید و درک بهتر از فناوری‌ها و مدل‌های کسبوکار مبتنی بر کلان داده‌ها هستند. در حالی که نهادهای ناظر در صدد اطمینان از رفتار عادلانه بیمه‌گران با مشتریان هستند، پیروی از رویکرد اصول‌محور در وضع مقررات بهتر از رویکرد قانون‌محور می‌تواند به توسعه فناوری‌های تحلیل کلان داده‌ها در صنعت بیمه منجر شود. در حالی که رویکرد قانون‌محور با تأکید بر وضع قوانین و مقررات ثابت احتمالاً نمی‌تواند همگام با توسعه مستمر فناوری‌ها پیش رود، وضع مقررات بر اساس رویکرد اصول‌محور سعی در ترسیم خط‌مشی‌ها و رهنمودهای شفاف برای بیمه‌گران و پرهیز از زیاده‌روی در تجویزهای جزئی دارد. پیروی از این رویکرد می‌تواند زمینه‌ساز بهره‌گیری از پایگاه‌های داده‌ای ساختاری‌یافته خارج از صنعت، مانند داده‌های پلیس راهور، سوابق درمانی افراد و ... شود. به عنوان نمونه‌های موفق برای تحقق این موضوع، می‌توان به سیستم شناسایی دیجیتالی ملی سنتگاپور و سیستم دولت من هلند اشاره کرد. این سامانه‌ها ضمن گرداوری و ذخیره‌سازی دامنه متنوعی از اطلاعات شهر و ندان، این امکان را فراهم کرده‌اند تا شهروندان بسته به مور، رأساً مجوز دسترسی شرکت‌های ثالث به دامنه متنوعی از اطلاعات مربوط به آن‌ها را بدهنند.

یافته‌های پژوهش، همچنین، بر نقش پررنگ پشتیبانی مدیریت ارشد در پذیرش فناوری‌های تحلیل کلان داده‌ها تأکید دارد. مدیریت ارشد می‌تواند با تدوین راهبردها و سیاست‌های رسانیدگی به امور ذخیره‌سازی اطلاعات، ایجاد قابلیت‌های فنی، و تأمین منابع مالی موردنیاز چنین نقشی را ایفا کند. مدیران می‌توانند با ایجاد جو حمایت‌گرانه و بسیج منابع؛ ترسیم چشم‌اندازی واضح از نقش کلان داده‌ها در تحقق راهبردهای شرکت؛ ترجمه این موضوع در فرایندهای

Cox, M.; Ellsworth, D., (1997). Applicationcontrolled demand paging for outofcore visualization. In Proceedings. Visualization'97 (Cat. No. 97CB36155) 235-244 (10 pages). IEEE.

Dremel, C., (2017). Barriers to the adoption of big data analytics in the automotive sector. In proceedings of the 23rd Americas conference on Inf. Syst., Boston, 1-10 (10 pages).

Exastax. (2017). Top 7 big data use cases in insurance industry. Retrieved from.

Fan, W.; Bifet, A., (2013). Mining big data: Current status, and forecast to the future. ACM SIGKDD Explor. Newsl., 14(2): 1-5 (5 pages).

Farmer, L., (2011). Affective collaborative instruction with librarians. In Handbook of Research on Computer Mediated Communication 15-24 (10 pages). IGI Global.

Farmer, L.S.J., (2012). Affective side of technology incorporation in the workplace. In Handbook of research on technologies for improving the 21st century workforce: Tools for lifelong learning 2: 405-424 (20 pages). IGI Global.

Gupta, M.; George, J.F., (2016). Toward the development of a big data analytics capability. Inf. Manage., 53(8): 1049-1064 (16 pages).

Gururajan, R., (2009). Organisational factors and technological barriers as determinants for the intention to use wireless handheld technology in healthcare environment: An Indian case study. In handbook of research on advances in health informatics and electronic health-care applications: Global adoption and impact of information communication technologies 109-123 (15 pages). IGI Global.

Holst, A., (2021). Amount of data created, consumed, and stored 20102025.

Hussain, K.; Prieto, E., (2016). Big data in the finance and insurance sectors. New Horiz. for Data. Driven Econ. 209-223 (15 pages). Springer, Cham.

Insurance Research Center. (2020). Des. Ecosyst. Big Data Anal. Insur. Ind. (In Persian)

International Association of Insurance Supervisors. (2020). Issues paper on the use of big data analytics in insurance.

IOPA. (2019). Big data analytics in motor and health insurance: a thematic review. In EIOPA Thematic Review.

Kamble, S.S.; Gunasekaran, A.; Sharma, R., (2018). Analysis of the driving and dependence power of barriers to adopt industry 4.0 in Indian manufacturing industry. Comput. Ind., 101: 107-119 (13 pages).

Kamble, S.S.; Gunasekaran, A.; Parekh, H.; Joshi, S., (2019). Modeling the internet of things adoption barriers in food retail supply chains. J. Retailing Consum. Serv., 48: 154-168 (15 pages).

Keller, B.; Eling, M.; Schmeiser, H.; Christen, M.; Loi, M., (2018). Big data and insurance: implications for innovation, competition and privacy. In The Geneva Association (Issue March).

Khan, M.I.; Khan, S.; Khan, U.; Haleem, A., (2021). Modeling the big data challenges in context of smart cities—an integrated fuzzy ISM DEMATEL approach. Int. J. Build. Pathology Adap. In press.

Kyratsis, Y.; Ahmad, R.; Holmes, A., (2012). Technology adoption and implementation in organisations: Comparative case studies of 12 English NHS Trusts. BMJ Open, 2(2): e000872.

Li, S.; Peng, G.C.; Xing, F., (2019). Barriers of embedding big data solutions in smart factories: Insights from SAP consultants. Ind. Manage. Data Syst., 119 (5): 1147-1164 (20 pages).

Liu, Q.; Ullah, H.; Wan, W.; Peng, Z.; Hou, L.; Qu, T.; Ali Haidery, S., (2020). Analysis of green spaces by utilizing big data to support smart cities and environment: A case study about the city center of shanghai. ISPRS Int. J. Geo. Inf., 9(6): 360.

Lucchetti, R.; Sterlacchini, A., (2004). The adoption of ICT among SMEs: Evidence from an Italian survey. Small Bus. Econ., 23(2): 151-168 (18 pages).

Maduku, D.K.; Mpinganjira, M.; Duh, H., (2016). Understanding mobile marketing adoption intention by South African SMEs: A multiperspective framework. Int. J. Inf. Manage., 36(5): 711-723 (13 pages).

Moktadir, M.A.; Ali, S.M.; Paul, S.K.; Shukla, N., (2019). Barriers to big data analytics in manufacturing supply chains: A case study from Bangladesh. Comput. Ind. Eng., 128: 1063-1075 (13 pages).

Mullins, M.; Holland, C.P.; Cunneen, M., (2021). Creating ethics guidelines for artificial intelligence and big data analytics customers: The

تعارض منافع

نویسنده‌گان اعلام می‌دارند که در مورد انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد. علاوه بر این، موضوعات اخلاقی شامل سرقت ادبی، رضایت‌آگاهانه، سوءرفتار، جعل داده‌ها، انتشار و ارسال مجدد و مکرر توسط نویسنده‌گان رعایت شده است.

دسترسی آزاد

کپیرایت نویسنده‌ها) ©2022: این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 اقتباس، توزیع و تکثیر را در هر رسانه یا قالبی مشروط به درج نحوه دقیق دسترسی به مجوز CC منوط به ذکر تغییرات احتمالی بر روی مقاله می‌پاشد. لذا به استناد مجوز ذکور، درج هرگونه تغییرات در تصاویر، منابع و ارجاعات یا سایر مطالب از اشخاص ثالث در این مقاله باید در این مجوز گنجانده شود، مگر اینکه در راستای اعتبار مقاله به اشکال دیگری مشخص شده باشد. در صورت عدم درج مطالب ذکور یا استفاده فراتر از مجوز فوق، نویسنده ملزم به دریافت مجوز حق نسخه‌برداری از شخص ثالث می‌پاشد.

به منظور مشاهده مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 به آدرس زیر مراجعه گردد:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

یادداشت ناشر

ناشر نشریه پژوهشنامه بیمه با توجه به مرزهای حقوقی در نقشه‌های منتشر شده بی‌طرف باقی می‌ماند.

منابع

Alalawneh, A.A.; Alkhatib, S.F., (2021). The barriers to big data adoption in developing economies. Electron. J. Inf. Syst. Dev. Countries, 87(1): 12151.

Alharthi, A.; Krotov, V.; Bowman, M., (2017). Addressing barriers to big data. Bus. Horiz., 60(3): 285-292 (8 pages).

Ardagna, C.A.; Ceravolo, P.; Damiani, E., (2016). Big data analytics as-a-service: Issues and challenges. 2016 IEEE International Conference on Big Data, 3638-3644 (7 pages).

Arunachalam, D.; Kumar, N.; Kawalek, J.P., (2018). Understanding big data analytics capabilities in supply chain management: Unravelling the issues, challenges and implications for practice. Transp. Res. Part E: Logist. Transp. Res., 114: 416-436 (21 pages).

Baig, M.I.; Shuib, L.; Yadegaridehkordi, E., (2019). Big data adoption: State of the art and research challenges. Inf. Process. Manage., 56(6): 95-102 (8 pages).

Brock, V.; Khan, H.U., (2017). Big data analytics: Does organizational factor matters impact technology acceptance? J. Big Data, 4(1): 1-28 (28 pages).

Chaple, A.P.; Narkhede, B.E.; Akarte, M.M.; Raut, R., (2021). Modeling the lean barriers for successful lean implementation: TiSM approach. Int. J. Lean Six Sigma, 12(1): 98-119 (22 pages).

Chen, P.T.; Lin, C.L.; Wu, W.N., (2020). Big data management in healthcare: Adoption challenges and implications. Int. J. Inf. Manage., 53: 78-102 (25 pages).

case of the consumer European insurance market. *Patterns* (New York, N.Y.), 2(10): 100362.

Nagendra, N.P.; Narayananurthy, G.; Moser, R., (2020). Satellite big data analytics for ethical decision making in farmer's insurance claim settlement: Minimization of type-I and type-II errors. *Annals of Operations Research*, 1-22 (22 pages).

Naoui, M.A.; Lejdel, B.; Ayad, M.; Amamra, A., (2020). Using a distributed deep learning algorithm for analyzing big data in smart cities. *Smart sustainable built Environ.*, 10(1): 90-105 (16 pages).

Opala, O.J.; Rahman, S.S.M.; Alelaiwi, A.A., (2015). Enterprise cloud adoption: A quantitative exploratory research. In *Web-Based Services: Concepts, Methodologies, Tools, and Applications*, 1283-1315 (33 pages). IGI Global.

Park, J.H.; Kim, M.K.; Paik, J.H., (2015). The factors of technology, organization and environment influencing the adoption and usage of big data in Korean firms. Paper presented at the 26th European Regional Conference of the International Telecommunications Society (ITS): "What Next for European Telecommunications?", Madrid (15 pages).

Patil, M.; Suresh, M., (2019). Modelling the enablers of workforce agility in IoT projects: A TISM approach. *Global J. Flexible Syst. Manage.*, 20(2): 157-175 (19 pages).

Peng, G.C.; Nunes, M.B., (2009). Identification and assessment of risks associated with ERP post-implementation in China. *J. Enterp. Inf. Manage.*, 22(5): 587-614 (28 pages).

Petter, S.; DeLone, W.; McLean, E.R., (2013). Information systems success: The quest for the independent variables. *J. Manage. Inf. Syst.*, 29(4): 7-62 (56 pages).

Prabhu, C.S.R.; Chivukula, A.S.; Mogadala, A.; Ghosh, R.; Livingston, L.J., (2019). Big data analytics. In *Big Data Analytics: Syst, Algorithms, Appl.* (23 pages). Springer, Singapore.

Raj, A.; Dwivedi, G.; Sharma, A.; de Sousa Jabbour, A.B.L.; Rajak, S., (2020). Barriers to the adoption of Industry 4.0 technologies in the manufacturing sector: An intercountry comparative perspective. *Int. J. Production Econ.*, 224: 107546.

Ramamurthy, K.R.; Sen, A.; Sinha, A.P., (2008). An empirical investigation of the key determinants of data warehouse adoption. *Decis. support syst.*, 44(4): 817-841 (25 pages).

Raut, R.D.; Yadav, V.S.; Cheikhrouhou, N.; Narwane, V.S.; Narkhede, B.E., (2021). Big data analytics: Implementation challenges in Indian manufacturing supply chains. *Comput. Ind.*, 125: 103368.

Rawat, S.; Rawat, A.; Kumar, D.; Sabitha, A.S., (2021). Application of machine learning and data visualization techniques for decision sup-

port in the insurance sector. *Int. J. Inf. Manage. Data Insights*, 1(2): 100012.

Rose, K.; Eldridge, S.; Chapin, L., (2015). The internet of things: An overview. *The internet society*, 80: 1-50 (50 pages).

Sagiroglu, S.; Sinanc, D., (2013). Big data: A review. In 2013 international conference on collaboration technologies and systems (CTS) 42-47 (6 pages).

Saxena, J.P.; Vrat, P., (1990). Impact of indirect relationships in classification of variables—a micmac analysis for energy conservation. *Syst. Res.*, 7(4): 245-253 (9 pages).

Senousy, Y.M.B.; Mohamed, N.E.K.; Riad, A.E.D.M., (2018). Recent trends in big data analytics towards more enhanced insurance business models. *Int. J. Comput. Sci. Inf. Secur.*, 16(12): 39-45 (7 pages).

Society of Actuaries. (2019). The use of big data and data analytics to enhance insurer operations in AsiaPacific.

Soon, K.W.K.; Lee, C.A.; Boursier, P., (2016). A study of the determinants affecting adoption of big data using integrated technology acceptance model (TAM) and diffusion of innovation (DOI) in Malaysia. *Int. J. Appl. Bus. Econ. Res.*, 14(1): 17-47 (31 pages).

Sta, H.B., (2017). Quality and the efficiency of data in "SmartCities". *Future Gener. Comput. Syst.*, 74: 409-416 (8 pages).

Sun, E.W.; Chen, Y.T.; Yu, M.T., (2015). Generalized optimal wavelet decomposing algorithm for big financial data. *Int. J. Prod. Econ.*, 165: 194-214 (21 pages).

Sushil, S., (2012). Interpreting the interpretive structural model. *Global J. flexible Syst. Manage.*, 13(2): 87-106 (20 pages).

Tabesh, P.; Mousavdin, E.; Hasani, S., (2019). Implementing big data strategies: A managerial perspective. *Bus. Horiz.*, 62(3): 347-358 (10 pages).

Verma, S.; Bhattacharyya, S.S., (2017). Perceived strategic valuebased adoption of Big Data Analytics in emerging economy: A qualitative approach for Indian firms. *J. Enterp. Inf. Manage.*, 30(3): 354-382 (19 pages).

Wamba, S.F.; Akter, S.; Edwards, A.; Chopin, G.; Ghanzou, D., (2015). How 'big data' can make big impact: Findings from a systematic review and a longitudinal case study. *Int. J. Prod. Econ.*, 165: 234-246 (13 pages).

Zhang, X.; Lam, J.S.L., (2019). A fuzzy DelphiAHPTOPSIS framework to identify barriers in big data analytics adoption: Case of maritime organizations. *Marit. Policy Manage.*, 46(7): 781-801 (20 pages).

Zheng, L.; Guo, L., (2020). Application of big data technology in insurance innovation. *Int. Conf. Educ., Econ. Inf. Manage.* 285-294 (10 pages). Atlantis Press.

AUTHOR(S) BIOSKETCHES

معرفی نویسنده‌گان

محمد منصوری، دانشآموخته کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، گروه مدیریت، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران

- Email: mansouri71.m@yahoo.com
- ORCID: 0000-0002-5497-2484
- Homepage: <https://b2n.ir/a67135>

امیر علی فوکرده، استادیار مدیریت تولید و عملیات، گروه مدیریت، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران

- Email: r.foukerdi@qom.ac.ir
- ORCID: 0000-0002-9260-923X
- Homepage: <https://qom.ac.ir/rfoukerdi>

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Mansoori, M.; Foukerdi, A.A., (2022). Modeling the barriers to acceptance of big data analytics in Iran's insurance industry. *Iran. J. Insur. Res.*, 11(3): 227-242.

DOI: [10.22056/ijir.2022.03.05](https://doi.org/10.22056/ijir.2022.03.05)

URL: https://ijir.irc.ac.ir/article_143466.html?lang=en

